

زن در تاریخ نگاری صفویه

تألیف

عباسقلی غفاری فرد



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۸۴

غفاری فرد، عباسقلی، ۱۳۳۵ -
زن در تاریخ نگاری صفویه / تألیف عباسقلی غفاری فرد - تهران: امیرکبیر،
۱۳۸۳.

۱۱۴ ص.

ISBN 964-00-0971-7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۹۱ - ۹۷.

چاپ اول: ۱۳۸۴.

۱. ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق. - زنان. ۲. زنان - ایران -
مسائل اجتماعی و اخلاقی. ۳. زنان ایرانی. ۴. زنان - ایران - تاریخ. الف.
عنوان.

۹۵۵/۰۷۱۰۸۲

DSR۱۱۸۸ / ز ۷ غ

۸۳-۳۴۸۲۷ م

کتابخانه ملی ایران



زن در تاریخ نگاری صفویه

تألیف: عباسقلی غفاری فرد

چاپ اول: ۱۳۸۴

چاپ و صحافی: چاپخانه سپهر، تهران

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۷-۹۷۱-۰۰-۹۶۴ ISBN 964-00-0971-7

مؤسسه انتشارات امیرکبیر تهران، میدان استقلال.

WWW.AMIR-KABIR.COM

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۷
۱. جانبازی	۱۱
۲. در میادین نبرد	۱۵
تاجلو خانم	۱۷
نظر منابع ایرانی و عثمانی دربارهٔ اسارت تاجلو خانم	۱۷
۳. سیاست و درگیری در توطئه‌های سیاسی	۲۴
اعمال نفوذ زنان در تعیین جانشین شاه تهماسب اول	۲۵
پریخان خانم	۲۶
خیرالنسا بیگم (مهد علیا)	۲۸
۴. در عرصهٔ وساطت، شفاعت، حمایت و مشاوره	۳۲
۵. حرمسرا	۴۰
تعریفی از حرمسرا و ویژگیهای آن	۴۲

۴۶		ربودن زنان و دختران برای حرمسرا
۴۹		نقش زنان حرم در تربیت ولیعهد
۵۰		خواجهگان حرمسرا
۵۲		سرگرمیها و تفریحات زنان در حرمسرا
۵۲		۶. نقش زنان در علم و سازندگی
۵۴		۷. روسپیگری
۵۸		۸. مجازات زنان
۶۱		۹. مراسم ازدواج و زن در خانه
۶۲		مراسم خواستگاری
۶۵		ازدواج در میان گرجی ها
۶۶		آداب عروسی ارامنه
۶۷		آداب عروسی زرتشتی ها
۶۹		محدودیت برای زنان
۷۱		یادداشتها
۹۳		فهرست منابع
۹۹		نمایه

پیشگفتار

تاریخ‌نگاری دوره صفویه عموماً متوجه شخص پادشاه است و بیشتر به شرح حوادث و رویدادهایی می‌پردازد که فرمانروای صفوی به طور مستقیم و غیرمستقیم و به نوعی در آنها دخیل بوده است. شاید بتوان این شیوه تاریخ‌نگاری را «شاه‌محوری» نام نهاد، زیرا در اکثر آثار تاریخی بهره‌مند از شیوه مذکور می‌توان به اصطلاحاتی در تأیید این نظریه استناد جست، مثلاً اصطلاحاتی از قبیل: «خاقان اسکندرشان»^۱ (در توصیف مقام شاه اسماعیل اول)، «شاه دین‌پناه»^۲ (در وصف مقام شاه تهماسب اول)، «حضرت شاه جمجاه سکندر نشان»^۳ (شاه اسماعیل اول)، «پادشاه آفتاب اشراق»^۴ (شاه تهماسب اول)، «حضرت شاه فلک ارتقا»^۵ (شاه تهماسب اول)، «حضرت ظل‌اللهی و نواب همایون اعلی»^۶ (شاه صفی)، «عالم‌پناه پادشاه عالمیان»^۷ (شاه اسماعیل

۱. احسن التواریخ، ج ۲، بیشتر صفحات. ۲. همان، بیشتر صفحات.

۳. تاریخ ایلچی نظام شاه. ص ۱. ۴. همان، ص ۱۱۷.

۵. همان، ص ۱۷۷. ۶. خلاصه السیر. ص ۲۶۶.

۷. نقاوة الآثار. ص ۶۶.

دوم)، «حضرت اعلی شاهى»^۱ (شاه عباس اول)، «خاقان ظفر همال»^۲ (شاه عباس دوم)؛ و... از سوى دیگر منابع دوره مورد نظر بیشتر به صورت تاریخ عمومی است، به این معنی که مندرجات آنها وقایع تاریخی را از آفرینش جهان تا زمان تألیف کتاب در بر می‌گیرد، و یا شامل حوادث عام دوران سلطنت یکی از پادشاهان است. سفرنامه‌ها نیز اگرچه با دیدی متفاوت به مسائل تاریخی ایران نگرسته‌اند، اما در ارتباط با موضوع زن، به دلیل حرمت ورود به جامعه زنان، به اندازه کافی دستمایه برای تألیف تاریخ خاصی درباره زنان، برای ما فراهم نیاورده‌اند. به همین دلیل مطالعه تاریخ زنان در دوره صفویه از نظر جامعه‌شناختی چندان ساده به نظر نمی‌رسد، هرچند که ممکن است بررسی رفتار و کردار برخی از زنان مشهور خاندان سلطنتی، به عنوان عضوی از جامعه زنان، تحقیق در موضوع مورد نظر را تا حدودی آسان نماید و تصویری از زنان آن دوره در زمینه روان‌شناختی در اختیار ما بگذارد.

همان‌طور که جان فوران می‌گوید: منابع تاریخی این دوره، در مورد زنان شهری همه طبقات و قشرها تقریباً چیز زیادی نگفته‌اند، اما قدر مسلم آن است که زنان در فعالیتهای مولد خانگی - آشپزی، نظافت، بچه‌داری و بافتن و دوختن لباس - شرکت داشته‌اند، البته زنان طبقات بالا اغلب کار نمی‌کرده‌اند. بدیهی است که زنان کشاورز و زنان ایل به طور گسترده‌ای در کار کشاورزی و دامداری و تولید مشارکت داشتند و در قالیبافی و پارچه‌بافی خانگی نقش مهمی ایفا می‌کردند.^۳ بنابراین، سخن گفتن از زن به طور عام و در چهارچوب فعالیتهای اجتماعی - به معنی امروزی - کاری بس دشوار است.

عبدالرسول خیراندیش درباره دشواریهای مطالعات تاریخی راجع به زنان در تاریخ ایران می‌نویسد:

نیک می‌دانیم که از گذشته تا حال زنان نیمی از اجتماع بشری را تشکیل

۱. تاریخ عالم‌آرای عباسی. ج ۲. ص ۱۲۴۹.

۲. قصص الخاقانی. ج ۱. ص ۲۵۴. ۳. مقاومت شکننده. ص ۵۹، ۶۵.

می‌دهند. این خود یکی از مهمترین استدلالها به نفع زنان در دفاع از حقوق آنان است. بر همین اساس نیز شکی نمی‌توان داشت که نیمی از تاریخ تعلق به زنان دارد. حتی نیمه دیگر تاریخ که تعلق به مردان دارد را با این استدلال که هر مردی از دامان زنی برخاسته و هر مرد بزرگی در کنار خود زن بزرگی داشته می‌توان متعلق به زنان دانست... با این حال بی‌هیچ شک و تردیدی تاریخ‌نگاری ما مردانه است و تقریباً تمامی صفحات تاریخ را مردان به خود اختصاص داده‌اند... به هر حال چنین می‌نماید که نمی‌توان بسادگی به مسئله حضور زنان در تاریخ و تاریخ‌نگاری پرداخت.^۱

اگرچه تاریخ‌نگاری به شیوه جدید، توجه صرف به رویدادهای صرفاً نظامی و سیاسی را بر نمی‌تابد بلکه بر جنبه‌های فکری و فرهنگی و ساختار اجتماعی و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز تأکید دارد، اما در بحث حاضر، داده‌های ما محدود، مبهم و حتی ناچیز است. بنابراین، در ارتباط با موضوع این کتاب، تلاش کرده‌ایم هر جا که سخن از زن گفته شده، از آن سود بجویم و تصویری از زن در تاریخ صفویه - هرچند با تکیه بر زنان مشهور و خاندان سلطنتی - ارائه دهیم. بدیهی است که نوشته حاضر به هیچ وجه نمی‌تواند بیانگر نقش زن در تاریخ صفویه در ابعاد مختلف و عاری از نقص و نقطه ضعف بوده باشد. اما اعتقاد ما بر این است که برای آماده‌سازی زمینه در ارتباط با تاریخ‌نگاری نوین صفویه - و کلاً تاریخ‌نگاری ایران در دوره‌های مختلف - باید به همین گونه پژوهشها روی آورد تا از مجموع آنها دستمایه قابل قبولی برای پژوهشگران فراهم آید و آنها بتوانند با در اختیار داشتن تحقیقاتی همه‌جانبه و نه یک یعدی، به تألیف و تدوین تاریخهای علمی و مبتنی بر جنبه‌های فکری و فرهنگی و ساختار اجتماعی

۱. «سیری در دشواریهای مطالعات تاریخی راجع به زنان در تاریخ ایران». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال ۶، ش ۳ (دی ماه ۱۳۸۱)، (شماره پیاپی ۶۳)، ص ۳.

بپردازند. تاریخ‌نگاری دوره صفویه، علی‌رغم غنای نسبی، تقریباً به طور کامل یک‌جانبه‌نگری است. البته گاهی استثناهایی نیز دیده می‌شود که فارغ از «شاه‌محوری» به نحوه اداره امور کشور و بررسی مناصب و مقامات کشوری پرداخته‌اند.^۱ بنابراین، برای خارج ساختن تاریخ‌نگاری دوره صفویه از تنگنای مذکور بایستی به تاریخ اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی این دوره توجه خاصی مبذول گردد؛ بازار، قهوه‌خانه، مدارس، خط، نقاشی، پیشه‌ها، هنر، زرگری، جواهرسازی، خیاطی، سنگتراشی، نانوایی و انواع نان، صراف‌ی، آهنگری، خانقاه‌ها، مساجد، سقایی، میناسازی، حمل و نقل، ساریانی، شکار و مراسم آن، حمام‌های عمومی، پهلوانی و معرکه‌گیری، نعلبندی، کتاسی، تون‌تابی، لوطی‌گری، و... انبوهی از موضوعاتی است که پژوهش در مورد آنها از ضروریات تاریخ‌نگاری به شیوه جدید است.

نگارنده امیدوار است در آینده آثار مستند و علمی بتواند جای کتابهای «تاریخ‌سازان» و انبوهی از کتب حجیم اما بی‌مایه را که در آشفته‌بازار کنونی کتاب و به برکت تبلیغات و روابط به رقیبان بزرگی تبدیل شده‌اند، بگیرد. آثار علمی از جان نویسندگان خود مایه می‌گیرند و دغدغه اصلی آنها انتقال بی‌کم و کاست میراث افتخارآفرین و یا در مواردی رفتار شرم‌آور گذشتگان است که آیندگان هرگز از آنها بی‌نیاز نخواهند بود.

عباسقلی غفاری فرد

۱۳۸۳/۴/۴

۱. همانند تذکره الملوك که پس از سقوط سلسله صفویه و در فاصله سالهای ۱۱۳۷ - ۱۱۴۲ تألیف شده است.